

بسم الله الرحمن الرحيم

لفظ خیانت و مدلول آن

(ترجمه)

به جواب راغب ابوشامه

پرسش

السلام علیکم ورحمت الله وبرکاته!

این برای امیر ما است الله سبحانه وتعالی آنرا حفظ نموده و در پناه خودش داشته باشد.

شیخ و امیر بزرگوار ما! الله سبحانه وتعالی شما را حفظ و در پناه خود داشته، به خیر فتح را به دستان شما بیاورد و الله سبحانه وتعالی ما و آنانی را که به دستشان فتح صورت می‌گیرد، علم نصیب فرماید تا اصطلاحات را از معانی اجنبی حفظ نموده و معانی واقعی آنرا نهادهینه سازیم! سخن من در این جا در خصوص اصطلاح "خیانت" و وصف نظام‌های حاکم در سرزمین‌های اسلامی به عنوان نظام‌های خائن می‌باشد.

شیخ بزرگوار ما! طوری که شما می‌دانید، اصطلاح "خیانت" تقاضا می‌کند که شخص بر حالت و جایگاه قرار داشته باشد، سپس بر آن جایگاه خیانت کند و یا این که شخص امانت‌را به عهده گرفته باشد، ولی بعداً به آن خیانت کند و یا این که شخص پیمانی بسته باشد، سپس بر آن پیمان خیانت کند؛ این در حالی است که نظام‌های حاکم یک روز هم امانت و پیمان را با امت و الله سبحانه وتعالی نبستند و یک روز هم امانت‌را به عهده نگرفته و حفظ نکرده اند؛ این‌ها نظام‌های ساختگی غربی‌اند که هیچ ارتباطی به امور و دین ما نگرفته به جز این که نیرنگ، مزدوری و اجرای اوامر سازندگان خود را به جا می‌آورند.

پس این گفته‌ی ما که این دولت‌ها خائن هستند، معنی آن این است که گویا قبلاً این نظام‌ها کدام جایگاه شرعی داشتند که امروزه از آن جایگاه شرعی‌شان تخطی کرده‌اند؟ پس آن چه این فرزند و شاگرد شما نظر دارد این است که نظام‌ها را به اصطلاح "خیانت" توصیف نکنیم، بلکه این نظام‌ها را از ابتداء تا انتهاء، از ریشه و اساس و از پیدایش تا بقای‌شان به اجیری و مزدوری توصیف کنیم.

الله سبحانه وتعالی به عمر شما برکت دهد شیخ ما! فرزند و شاگردت و سهم در کنانه‌ی شما، راغب ابوشامه (سیف الدین عابد)-فلسطین.

پاسخ

و علیکم السلام ورحمت الله وبرکاته!

در ابتداء توجه و علاقه‌مندی‌ات را به زبان می‌ستایم؛ اما نظرت را به دو مطلب جلب می‌دارم:

اول: این که هر فعل مرتبط به زمان است، مثلاً وقتی می‌گوئی جاء یجیء و حضر یحضر و احضر هرکدام از این افعال وابسته به زمان ماضی مضارع و حال می‌باشد. بناءً گفته می‌شود خان، یخون و خن و هریکی از ازین صیغه‌ها خیانت را در گذشته، حال و یا آینده واضح می‌سازد.

دوم: مصدر لفظ دال بر حدث است که خالی از زمان بوده و حروف فعل خود را لفظاً و یا تقدیراً و یا عوضاً در ضمن دارد، مثل علم علما، قاتل قتالا، وعد و عدة و سلم تسلیمما...

به این ترتیب لفظ "خیانت" بر حدوث خیانت دلالت داشته و بر زمان دلالت نمی‌کند؛ یعنی هرجا و هر زمانی که خیانت باشد، خیانت مصداق پیدا می‌کند که این واقعیت در خصوص نظام‌های فعلی از سال‌ها وجود داشته و اکنون هم وجود دارد.

پس وقتی تو می‌بینی که امروزه بر غیر احکام شرعی سیاست می‌شود، این خود خیانت بوده ضرورت نیست که قبلاً خیانت نبوده؛ امروز خیانت صورت گیرد تا اصطلاح "خیانت" مصداق پیدا کند؛ چنان که در نامه‌ی تو ذکر شده که قبلاً هم خیانت بوده است؛ لذا این گفته‌ی تو که خیانت به معنی اینست که قبلاً امانت بوده باشد، بعداً به امانت خیانت شود، آنگاه خیانت مصداق پیدا می‌کند، یعنی شما خیانت را مرتبط به زمان می‌دانید؛ این درست نیست و این تعریف نیاز به قرینه‌ای دارد که هرگاه خیانت به وجود آید، آن را ظاهر سازد.

سپس طوری معلوم می‌شود که در این جا التباس وجود دارد! مثلاً تو در اخیر سوال خود گفتی، ما به این مورد خیانت نمی‌گوئیم؛ زیرا خیانت به این معنی است که قبلاً در نزد صاحب خود امانت بوده باشد، ولی در عین زمان وصف خیانت را به حکام اجیر نسبت می‌دهی، پس این چطور می‌شود؟ اگر تو طوری فکر می‌کنی که خیانت قبلاً خیانت نبوده کلمه‌ی (عمالة) یعنی اجیری هم همان طور است؛ زیرا خیانت و عمالة هر دو مصدر اند که معنی هریکی بر دیگری از لحاظ حدوث و زمان منطبق می‌شود.

خلاصه این که مصدر به حدوث تعلق گرفته، نه به زمان، اما فعل به زمان تعلق می‌گیرد.

از نامه‌ی تو معلوم می‌شود که تو بر زبان اهتمام و توجه داری و هرکسی چنین واقعیتی داشته باشد، انشاء الله که به ریشه‌های زبان دست می‌یابد و من از الله سبحانه و تعالی استدعاء می‌کنم که فقه، علم و حکمت ترا بیفزاید.

اما آن چه در نامه‌ات نوشته شده که «فرزندت و شاگردت» چی خوب فرزند و شاگردی هستی! الله سبحانه و تعالی ترا از هر بدی حفظ نموده و از هر شری وقایه کند!

**و السلام علیکم و رحمت الله و برکاته**

**برادر شما عطاء بن خلیل ابوالرشته**

**امیر حزب التحریر**

**۲۳ ذوالقعدة هـ.ق.**

**۴ جولای ۲۰۲۱ م.**

**مترجم: مصطفی اسلام**